

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

اکبر نوروری  
۲۰ می ۲۰۲۱

## نرگس محمدی! انتقام شخصی یا طبقاتی؟

نرگس محمدی، یکی از اصلاح طلبان غیر حکومتی در پی دیداری که اخیراً با خانواده های شهدای کشتارهای آبان ۹۸ داشت در یکی از برنامه های شبکه تلویزیونی "من و تو" با عنوان "آیا مسیر تغییر از اصلاحات می گذرد؟" شرکت نمود و به پرسش های مجری این برنامه پاسخ داد.

در این نوشته کوتاه سعی می شود به قسمتی از صحبت های او در این برنامه و موضع سازشکارانه و اصلاح طلبانه او در جنبش انقلابی ایران برخورد شود.

نرگس محمدی پس از دیدار با خانواده هائی که فرزندان شان را در جریان کشتارهای خونین آبان از دست داده اند، در شبکه تلویزیونی من و تو چنین می گوید: "از این صحبت با این مادرها متوجه شدم که اتفاقاً اونها در واقع اصلاً به دنبال انتقام نیستند. اونها بیشتر دغدغه این رو دارند که اگر ما داغدار شدیم، اگر ما فرزندانمون را به نا حق از دست دادیم، مادر دیگری پس از ما به این رنج مبتلا نشه". این سخنان با سیل واکنشها از طرف خانواده های شهدای آبان مواجه گردید که در اینجا به چند نمونه آن اشاره می کنیم.

مادر پژمان از جانبختگان آبان می گوید: ما راهمان، راه بچه هایمان است و همه جا فریاد زدم، من، مادر جاوید نام پژمان قلی پور، تنها چیزی که آرامم می کند انتقام است و قلب کسی که قلب بچه ام را نشانه گرفت. برادر برهان منصور نیا از دیگر کشته شدگان آبان [عقرب] ۹۸ در پیامی به ۱۵۰۰ تصویر می گوید: این صحبتها را تأیید نمی کنم و اصلی ترین خواسته های ما انتقام و دادخواهی است. خانواده های داستانخواه و سرتیپی که فرزندان شان را در اعتراضات آبان از دست داده اند از عدم تأیید این صحبتها نوشتند. خانواده وحید دامور از دیگر جانبختگان آبان ۹۸ در ادامه واکنشها به نرگس محمدی می گوید: ایشان به هیچ وجه نماینده ما نیستند و تنها یکبار به عنوان مهمان در جمع مادران بودند. "ما به قاتل های فرزندانمان رحم نمی کنیم، شخصاً با ایشان تماس می گیریم و می خواهیم از طرف ما صحبت نکنند." در موردی دیگر مادر مهرداد معین فر از کشته شدگان آبان در پیامی به ۱۵۰۰ تصویر نوشته است. "حرف ما مادران آبان، این بود که باقی مردم بیش از آن که داغدار شوند، معترض شوند نه این که انتقام نمی خواهیم، به عکس ما به امید انتقام و سرنگونی قاتلان فرزندانمان زنده ایم".

در جایی دیگر خواهر محسن جعفر پناه یکی دیگر از کشته شدگان آبان در انیستاگرامش به نرگس محمدی چنین می نویسد: توی دوران عید نوروز هستیم کسی که سر یا قلب بچه ها را هدف می گرفت و بابت این کار تشویق شد، الان

کنار خانواده اش نشسته، ۱۵۰۰ خانواده از هم پاشیده شده. خواسته و حق طبیعی خانواده های آبان اینه که مجازات قاتل رو انتخاب کنن و مجازاتش رو ببینن. خانم محمدی کاش حداقل شعور داشتی و نظرات خودت رو به اسم نظرات خانواده های آبان همه جا جار نمی زدی. در ادامه واکنشها، خانواده امیر حسین کبیری از کشته شدگان آبان چنین گفت: "هدف این خانم از نزدیک شدن به خانواده های آبان نه بخاطر همدردی که بخاطر سوءاستفاده از آنها بوده، ما تا روزی که انتقام خون امیر حسین را نگیریم لحظه ای آرامش نخواهیم داشت". خانواده بهمن جعفری: اگر نمی توانید صدای مادران آبان باشید حداقل سکوت کنید و با کفش کسی راه نروید. مادر رضا معطی: ما نیازی به نماینده نداریم، خودمان هستیم و دادخواه خون فرزندانمان می مانیم، تا زمانی که قاتل رضا زنده است آرام نخواهیم گرفت.

همچنین واکنشهای بسیاری وجود دارد که پرداختن به همه آنها در این نوشته کوتاه امکان پذیر نمی باشد. اما نکته قابل تاکید در تمام واکنشها به نظرات شخصی، تحریف شده، سازشکارانه و فرصت طلبانه نرگس محمدی، خشم و نفرت آگاهانه ای است که در سخنان خانواده های شهدای آبان ماه زبانه می کشد و نمودار خشم و نفرت در جامعه طبقاتی ما نسبت به قاتلان و جنایتکاران می باشد.

آنچه در بالا بیان شد بیانگر این است که تجربه رژیم های استبدادی و دیکتاتوری وابسته در ایران که باعث تداوم و تشدید فقر و فلاکت، خفقان و بیکاری، فحشاء، زندان، اعدام و هزاران مصائب دیگر می باشد، از طرفی دیگر موجب تشدید مبارزه طبقاتی توده های ستمدیده و در بند گردیده است. بر این اساس می بینیم که علیرغم همه تلاش اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی که رسانه های گوناگونی را هم در اختیار دارند و صدایشان در همه جا شنیده می شود، باز روزی نیست که چهره های اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی، عوامریبان، یاهو گویان از طرف توده های آگاه و روشنفکران انقلابی، بیش از پیش افشاء و کنار زده نشود. امروز با هر جرعه ای، رژیم سفاک جمهوری اسلامی و وابستگان آن در تیررس مبارزات انقلابی مردم قرار می گیرند. بی دلیل نیست که شعارهایی مانند اصلاح طلب، اصولگرا - دیگه تمومه ماجرا و غیره در جامعه ایران طنین انداز گشته است.

نرگس محمدی ها و دیگر اصلاح طلبان، فعالان حقوق بشر، فعالان مدنی و ... که هیچگونه همگونی مبارزاتی با خانواده های کشته شدگان و مبارزین خیزشهای دیمه سال ۹۶ و آبان ۹۸ ندارند، در شرایطی برای عوامریبی، به دیدار آن خانواده ها می روند و به حمایت ظاهری از آنان می پردازند که خیزشهای مردمی برای تحقق آرمان و اهداف انقلابی توده ها که رسیدن به نان، مسکن، کار و آزادی می باشد، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و اربابانشان را در نوک تیز حملات خود قرار داده اند و مردم مبارز با ایمان به پیروزی انقلاب، هر روز خون خود را در راه آن نثار می کنند. این نقطه افتراقی است که نرگس محمدی ها و هم طیف هایش را از توده های مبارز ما جدا می سازد که چرا که آنان درست بر عکس این توده ها برای حفظ سیستم سرمایه داری حاکم تلاش می کنند و در نتیجه هدف و راه مبارزه آنان با هدف و راه مبارزه توده های تحت ستم ایران مغایر است. بیهوده نیست که نرگس محمدی حتی زمانی که در زندان بود در انتخابات سال ۹۶ شرکت کرد و رای خود را به صندوق سران تبهکار جمهوری اسلامی ریخت و به این ترتیب به عنوان یک زندانی سیاسی سعی کرد دیگران را به رای دادن به جمهوری اسلامی و تداوم سلطه ننگین این رژیم تشویق نماید. بنابراین بی دلیل نیست که هر روز بلندگوهای تبلیغاتی مانند صدای آمریکا، بی بی سی، من و تو، صدای آلمان و غیره که با هزینه های قدرتهای امپریالیستی حمایت و پشتیبانی می شوند، همگی بطور سیستماتیک برای جلوگیری از انقلاب توده ها و تشدید مبارزه طبقاتی جاری در جامعه از نرگس محمدی و امثال او دفاع می کنند و بی شرمانه موعظه های آنان را مانند گذار مسالمت آمیز، استحاله درونی رژیم، عدم خشونت و غیره را در بوق و کرنای خود می دمند.

در اینجاست که باید پرسید که نرگس محمدی در جمع خانواده های کشته شدگان آبان چه می کند؟ آیا با آنان اهداف مبارزاتی مشترکی را دنبال می کند؟ آیا با آنان منافع طبقاتی مشترکی دارد؟ آیا او در صف انقلاب مردم است؟ همانطور که شاهد بودیم، قیام کنندگان آبان ۹۸ با مبارزات دلیرانه و قهر آمیز خود برای سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بپا خاستند. ابعاد و گسترش مبارزات آنان به حدی بود که رژیم حاکم مجبور شد با سلاحهای سنگین، هلی کوپتر، تانک به میدان بیاید و حتی در بعضی از شهرها مانند شیراز و بوکان مردم برای مدتی کنترل شهرها را بدست گرفتند و مزدوران رژیم را مجبور به فرار کردند. مردم با دست خالی هر جا که توانستند به مراکز سرکوب و ستم حمله کردند و برای تسلیح خود، آنها را به آتش کشیدند و نشان دادند که چه پتانسیل مبارزاتی عظیمی در جامعه در جریان است. قیامی که توسط مردم مبارز و قهرمان ما، زنان، جوانان، بیکاران، گرسنگان، حاشیه نشینان، و ... بر پا شد، رژیم منفور جمهوری اسلامی را تا آستانه سقوط فرو برد.

حال پرسیدنی است که در بحبوحه این خیزشها و مبارزات انقلابی در جامعه، نرگس محمدی در کجای این مبارزات جای داشته است. او در طی سالهای گذشته (بهمن ماه ۱۳۹۶) با عده ای از فعالان مدنی و سیاسی خواستار "گذار مسالمت آمیز" تحت نظارت سازمان ملل متحد می شود و در طی همین سالها به یکی از چهره های مطلوب و معروف رسانه های خود فروخته و فریبکاری که در بالا به چند نمونه آن اشاره کردیم، تبدیل می شود، و با کتمان واقعیات ملموس در زندگی غیر قابل تحمل مردم، از نافرمانی های مدنی، دفاع از حقوق بشر، عدم انتقام جویی، عدم خشونت، گذار مسالمت آمیز و صدها پند و اندرز که همه از طرف وابستگان و مزدوران به جهان سرمایه داری تبلیغ و ترویج میگردند دم زده و به تکرار آنها می پردازد. همانطور که میدانیم، نافرمانی های مدنی و دیگر آیه های اصلاح طلبان کنونی، پاسخگوی خواسته های توده های گرسنه و بیکار و زحمتکش نبوده و دارای هیچگونه ارتباطی هم با راه اصلی مبارزه قهر آمیز در جامعه در بند ایران و راه حل واقعی برای از بین بردن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، نظامی حکومتهای دیکتاتوری حاکم نمی باشد. در حالی که خواسته های انسانهای گرسنه و بیکار و زحمتکش تنها با از بین بردن این ساختارها متحقق می شود و برای این منظور راهی جز مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، نابودی سیستم سرمایه داری وابسته حاکم و ارتش ضد خلقی و ضمائش و پیمودن مسیر انقلاب تا رسیدن به سوسیالیسم وجود ندارد.

نرگس محمدی در رابطه با مادران داغداری که فرزندان خود را در جریان سرکوب خونین آبان ماه از دست داده اند می گوید که فکر انتقام نباشید و اندرز می دهد که: "اگر ما فرزندانمون را به نا حق از دست دادیم، مادر دیگری پس از ما به این رنج مبتلا نشه". او در اینجا طوری برخورد می کند که انگار یک قتل جنائی صورت گرفته و طبق سنتی که جمهوری اسلامی به وجود آورده خانواده مقتول با بخشیدن قاتل (اغلب در ازای دریافت پولی به نام دیه) از کشته شدن او جلوگیری می کند. در حالی که قاتلین فرزندان مادران داغیده در جریان قیام آبان ماه ۱۳۹۸ همانا نیروهای مسلح رژیم دیکتاتور جمهوری اسلامی می باشند که حافظ و نگهدارنده این رژیم سر و پا ننگ و جنایت هستند.

واقعیت این است که انتقام جویی و خشم و کینه توده های ستمدیده نسبت به نظام موجود به هیچ وجه دارای مضمونی شخصی نمی باشد بلکه بیانگر عزم و اراده شان در مقابله با دشمنان قسم خورده مردم به دلیل ظلم و سرکوب حاکم می باشد، امری که هیچ راهی جز اعمال قهر انقلابی و انتقام نمی تواند جایگزین آن شود. بگفته خانواده های آبان ۹۸، فقط سرنگونی قاتلان و جنایتکاران فرزندانشان است که آنان را آرام می کند و تا لحظه آخر به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

نرگس محمدی ها، بخاطر منافع حقیرشان، قادر بدیدن مبارزه طبقاتی توده ها در جامعه نمی باشند. وقتیکه نوید افکاری، جوان کارگر و کشتی گیر قهرمان و مردمی ایران که بدلیل شرکت در یک تظاهرات توده ای علیه رژیم دار و شکنجه، دستگیر و بدست مزدوران امنیتی رژیم اعدام می گردد، موجی از خشم و کینه و انتقام سراسر جامعه را فرا میگیرد و جوانان مبارز در دیوار نویسی های خود از اعدام و انتقام سران تبهکار رژیم می نویسند: "نوید افکاری را اعدام کردید، منتظر انتقام جوانان باشید" و یا اینکه مادران داغیده آنان در مقابل خانه نوید افکاری، صدای انتقام شان را به تمام کشور می رسانند. بگذار نرگس محمدی چنین واقعیاتی را نبیند و در مقابل مردم بپا خاسته از عدم انتقام جویی دم بزند. بگذار نداند که زمانیکه توده های جان به لب رسیده بدلیل خشم و نفرت و انتقام از این رژیم ددمنش با اعتراضات و مبارزات قهر آمیز خود به خیابانها آمده و نظام وابسته حاکم را تا آستانه سقوط می کشانند، این خیزشها دیگر به هیچ وجه مضمون شخصی ندارند بلکه سرنگونی یک رژیم ارتجاعی وابسته را در آنها فریاد زده می شود. نرگس محمدی و دیگر اصلاح طلبان هر بار که دستگاه سرکوب نظام، بطور سیستماتیک شروع به کشتار و قلع و قمع مردم مبارز و انقلابی می کند در راستای حفظ نظام موجود به اظهار نگرانی از "انتقام جوئی" و "خشونت" از طرف توده ها می پردازند. آنها قادر نیستند به ریشه یابی شکاف طبقاتی موجود و خشم و نفرت به حق توده های کارگر و تهیدستان و گرسنگان جامعه از ظلم هائی که بر آنان می رود بپردازند؛ و قادر نیستند به عاملین تداوم این شرایط اسفناک که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می باشد، حتی اشاره ای بکنند.

قاتلین فرزندان و عزیزان مردم ما در جریان قیام آبان ماه، نیروهای مسلح از سپاه پاسداران گرفته تا بسیج و ارتش می باشند و تا این نیروها باقی هستند، جنایت و کشتار مردم هم ادامه خواهد داشت. از این رو مادران داغیده و خانواده هایشان هیچگونه سر سازش و آشتی با این جانیان ندارند و در کمین روز انتقام نشسته اند و اراجیف اصلاح طلبانه ای چون عدم انتقام جوئی نمی تواند آنها را از تحقق خواست شان که در واقع با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی عملی می گردد باز دارند.

در خاتمه باید گفت که جای هیچگونه شک و تردیدی وجود ندارد که تنها یک دگرگونی بنیادی و یک انقلاب اجتماعی در نظام استثمارگرانه حاکم که در شعارهای توده ای چون مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر دیکتاتور، اصلاح طلب، اصولگرا - دیگه تمومه ماجرا، نان، کار، آزادی انعکاس یافته است، می تواند نجاتبخش مردم تحت ستم ایران باشد. مردم ما خواهان نابودی این رژیم وابسته به امپریالیسم با تمام جناحهای عوامفرب آن میباشند و با شعارهائی چون " آتش جواب آتش"، "وای به روزی که مسلح شویم" و غیره نشان می دهند که راه پیروزی در مقابل حکومتی که تا بن دندان مسلح است و کوچکترین ندای مخالفان را بر نمی تابد، رژیمی که تنها زبان زور و گلوله را می فهمد، می شناسند. بنابراین باید با اتحاد، تشکل، تسلیح، مبارزه، پیروزی امکان پیشروی مبارزات دلاورانه کنونی توده ها و چشم انداز پیروزی را فراهم نمود. محدود کردن مبارزات انقلابی توده های بپاخاسته به دفاع صرف از حقوق بشر و راه های مسالمت آمیز تنها در خدمت در بند نگه داشتن مردم زحمتکش و رنجدیده می باشد.

یاد جانباختگان قیامها و خیزشهای مردمی را گرامی میداریم و فداکاری و از جان گذشتگی آنان را در جریان مبارزات قهر آمیزشان با دشمنان توده، با تمام توان ارج گذاری می کنیم.

فروردین ۱۴۰۰

به نقل از: پیام فدایی ، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۶۱ ، فروردین ماه ۱۴۰۰